



مرگ‌های از نوع حیات محقول

حنا صدیقی

اشاره:

وقتی انفاق می‌کنی که نیاز خودت را برطرف کرده باشی، اما وقتی ایثار می‌کنی، آنچه را که خودت نیاز داری، می‌بخشی! خودخواهی را کنار می‌گذاری و هم‌نوعت را بر خودت ترجیح می‌دهی. وقتی ایثار می‌کنی؛ یعنی به خدا اعتماد می‌کنی. شاید در زندگی‌ات، همیشه خدا را در نظر داشته باشی و همیشه از او یاری بگیری و به زبان، توکل و تکیه‌ات بر خدا باشد، ولی تا ایثار نکنی و دستت را از آنچه که داری تهی نکنی و داشته‌هایت را با دیگران تقسیم نکنی و در اندیشه‌های آنان شریک نشوی، معنی اعتماد به خدا را نمی‌فهمی. آنچه را که داری، فقط او می‌تواند جبران کند! ایثار جان در راه خدا، بالاترین درجه ایثار است. کسی که جانش را با خداوند معامله می‌کند، درجه‌ای والا بر دوشش می‌زنند و آن درجه شهادت است. او شهید می‌شود و به شهود می‌رسد. شهید، خود را فدا می‌کند تا خلقی به آسایش برسند. انسانی که در راه خدا قدم برمی‌دارد و روحش به تعالی می‌رسد، رها می‌شود. هیچ پاداشی نمی‌تواند او را راضی کند، روحش در این دنیا نمی‌گنجد، نمی‌تواند بماند، اگر بماند، گرفتار عذاب است. دیگر دنیا زندان اوست. باید هجرت کند، تا به آرامش برسد. خداوند بهترین پاداش را به او می‌دهد؛ شهادت!



نهضت عاشورا در واقع یک نهضت
فرهنگی بود که در برابر هجوم فرهنگی
بنی‌امیه شکل گرفت.

تاریخ هیچ‌گاه رنگین‌کمانی از عشق و خون و حقیقت، چون کربلا را تکرار نکرده است. اگرچه قیام علیه ظلم و ستم و جان باختن بر سر ارزش‌ها و مقدسات از عاشورا شروع نشده و پیشینه آن به قبل از تاریخ کربلا بازمی‌گردد، اما این واقعه آنچنان عظیم و بزرگ و تکان‌دهنده است که درخشش آن در تاریخ بشریت انکارناپذیر و الهام‌بخش انقلاب‌های بسیاری است. از این رو شاید بتوان بستر و زمینه‌های ایجاد شهادت و شهادت‌طلبی، پیام‌ها و آرمان‌های آن را از این واقعه به خوبی به دست آورد.

درازنای تاریخ بشر همواره حکایت‌گر آن است که بقاء و ادامه زندگی او در گرو زنده ماندن و ابقای نسل و حفظ و نگهداری آدمی بوده است. این ادامه زندگی در شرایط گوناگون، وابسته به گذشت و فداکاری عده‌ای از انسان‌ها بوده است که منافع جمعی را به منافع فردی خویش برتری داده‌اند. در پاره‌ای موارد، این فداکاری به شکل کاملاً متفاوتی نمود کرده است؛ یعنی حفظ منافع جمع به بارزش‌ترین دارایی - جان و زندگی - فرد بستگی داشته است. گذشت این افراد از جان و اهدای آن در راه منافع جمع که ریشه در اعتقاد آن‌ها دارد، جلوه‌هایی انسانی از گذشت و ایثار است. در این راه، منافع کلی جمع در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. این تفاوت می‌تواند درون‌مایه‌هایی مانند اعتقادهای دینی، وطن‌پرستی، قوم‌پرستی و ... را در بر داشته باشد. «جنگ» یا همان برخوردهای مسلحانه و خشونت‌آمیز میان دو یا چند ملت، تحت تأثیر جنبه‌های گوناگون اعتقادی، چهره‌های زشت و زیبایی پیدا می‌کند و این مفاهیم بسته به زمینه فرهنگی و تبلیغی در بسترهای گوناگون قومی، دینی، جغرافیایی و سیاسی معنای متفاوتی خواهد داشت. این رفتار در فرهنگ‌هایی که به صورت مثبت به جنگ و شهادت می‌نگرند، آمیزه‌ای از شجاعت، ایثار و از خودگذشتگی را در بر دارد.

بسترها و زمینه‌ها

انسانی که در مکتب اسلام پرورش و با دیدگاه وحی





جهاد همراه خشونت است،
ولی خشونت طلبی نیست؛
زیرا جهاد برای هدفی والا
و عالی صورت می‌گیرد که
همان قیام برای برقراری و یا
احیای دین خداست.

ملت‌ها و دولت‌ها است. تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی؛ مؤثرترین شیوه نفوذ در ارکان و موجودیت یک جامعه است و این تجربه‌ای است که دشمنان، در طول سال‌های متمادی، از آن برای موفقیت خود سود برده‌اند. بر همین اساس، که نهضت عاشورا در واقع یک نهضت فرهنگی بود که در برابر هجوم فرهنگی بنی‌امیه شکل گرفت.

در شرایطی که عزت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملتی مورد تهدید واقع شود، اقدام برای کسب عزت سیاسی و مقابله با استبداد و استعمار و استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت خود و تضمین منافع ملی و بین‌المللی؛ یکی از زمینه‌های شهادت و شهادت‌طلبی محسوب می‌شود.

جهاد همراه خشونت است، ولی خشونت طلبی نیست؛ زیرا جهاد برای هدفی والا و عالی صورت می‌گیرد که همان قیام برای برقراری و یا احیای دین خداست، ولی خشونت طلبی، بهره‌گیری از قتل و غارت برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی است. از این رو مجاهدت و شهادت طلبی با خشونت طلبی فرق دارد. مجاهدت، آمادگی کامل برای برقراری، دفاع و یا احیای دین الهی است، حتی اگر به جان انسانی و مرگ در راه خدا نیاز باشد؛ زیرا مجاهد چه بکشد و چه کشته شود، پیروز است.

آمیختگی حق و باطل، یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد جهاد و به تبع آن شهادت و شهادت طلبی است. یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده روند تکاملی جامعه و بزرگ‌ترین آفت حرکت‌های سازنده، آمیزش خطوط انحرافی و جریان‌ات منفی با مایه‌های اصیل و پاک و برحق است. حق و باطل گاه چنان در هم می‌آمیزد که تمیز و جدایی آن‌ها از یکدیگر، محتاج ایجاد موجی قوی است، تا لاشه‌ها را از درون دریای جامعه به بیرون پرتاب کند و گوهرها را در درون بیرون برد. گاه حق و باطل مانند کف و آب هستند که تشخیص و جدایی آن‌ها ساده است و گاه چنان در هم مخلوط می‌شوند که باید با حرکت‌های تند و پر حرارت از هم جدا شوند. در چنین مواردی، شهادت می‌تواند به خوبی نقش خود را ایفا کند و چنان حرکت و تکانی به وجود آورد که حق و طرفدارانش از باطل و پیروانش به خوبی جدا شوند. در این حال، شهادت نقش جدا کردن و شناساندن و سرانجام رشد و نمو حق و نابودی باطل را به خوبی در جامعه ایفا می‌کند و به این وسیله،

رشد یافته است، از مرگ در راه خدا هراسی ندارد و برای غلبه بر دشمنی که ظلم و ستمش، دین و اجتماع را به خطر انداخته، قیام می‌کند. جنگ در اسلام، هیچ‌گاه به عنوان ارزش تلقی نمی‌شود، بلکه از این نظر که مایه ویرانی، آتلای نفوس، نیروها و امکانات است؛ یک ضد ارزش محسوب می‌شود، اما وقتی موجودیت امتی به خطر می‌افتد یا اهداف والا و مقدسش در معرض سقوط قرار می‌گیرد، جنگ و جهاد ارزش تلقی می‌شود و عنوان «فی سبیل الله» می‌یابد. از نظر قرآن و اسلام، جنگ و مبارزه نظامی که در چارچوب قواعد بیان و علیه کفار ستیزه‌جو، ناهنجاری‌های خصومت‌بار اجتماعی و بشری، ظلم و فساد، ستم و بی‌عدالتی و برای تحقق عدل و داد، توحید و حقوق انسانی باشد؛ امری الهی و نوعی عبادت است. این الهی بودن، به مبارزه، قداستی خاص می‌بخشد و آن را به عبادت تبدیل می‌کند.

دفاع در برابر تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی، در زمره نخستین و مهم‌ترین اولویت دفاعی اسلام به شمار می‌رود. این اهمیت و توجه موجب می‌شود تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل دگرترین نظامی اسلام قرار بگیرد. اهمیت و جایگاه این موضوع در اسلام به اندازه‌ای است که خداوند مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و مسلمانان را از کوچک‌ترین تجاوز به حریم جغرافیایی دیگران باز داشته است. قرآن، بنیاد اندیشه نظامی و هر گونه اقدام و حرکت نظامی را بر مبنای حفظ و بقای جان و مال، حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و حراست از ایمان و عقیده او قرار داده است. حرکت دفاعی و تدافعی که مورد پذیرش اسلام است، یا دفاع از عقیده، ایمان، جان و متعلقات انسان است (جهاد دفاعی) و یا دفاع از آزادی بشر و حقوق انسانی که در واقع تجویزکننده جهاد رهایی‌بخش می‌باشد.

انسان‌ها بر اساس طبع کرامت‌آمیز خود، خواهان تکریم هستند و به استخفاف و تحقیر رضایت نمی‌دهند، مگر عده‌ای که از کرامت نفس خود غافل باشند. امروزه در نظام حاکم بر جهان، علی‌رغم شعارهای زیبای حمایت از بشر، آزادی، عزت و کرامت انسان‌ها، بسیاری از کشورها و ملت‌ها تحقیر می‌شوند. نقض حقوق بشر، کودتا و تحمیل حکومت‌های فاسد بر سایر کشورها و دخالت در امور داخلی آن‌ها به بهانه‌های واهی، از جمله تروریسم؛ از جدیدترین شیوه‌های تحقیر



اغراض شخصی صورت بگیرد، در یک مقطع زمانی خاص پابرجا می ماند و به مرور زمان با از بین رفتن پدید آورندگان آن، محکوم به فناست؛ اما فرهنگ ایثار و شهادت در نظام اسلامی که از مهم ترین ویژگی های مکتب تشیع به شمار می رود، توانسته است حقایق اسلام را تاکنون سرپا و زنده باقی نگه دارد. از صدر اسلام تاکنون، تاریخ شیعه شاهد ایثارگری و شهادت طلبی مردان بزرگ بوده است. فرهنگ شهادت در دامن خود انسان هایی را پرورش داده که دارای ویژگی و روحیات والا و متعالی هستند. داشتن همّت بزرگ، بر خور داری از روحی عظیم، عزّت نفس و روحیه قوی، بزرگواری و بزرگ منشی، زهدگرایی و عدم دل بستگی به دنیا و ... از مهم ترین ویژگی های انسان های تربیت یافته در فرهنگ ایثار و شهادت است.

با نگاهی به مفهوم و بازتاب شهادت می توان دریافت که این امر نه تنها برای کسانی که توفیق آن را می یابند، رستگاری بزرگ است؛ بلکه در بعد اجتماعی، باعث حفظ و بقای موجودیت نظام اسلامی و ارزش های دینی می شود. با گسترش فرهنگ و روحیه شهادت طلبی در جامعه و ترویج آن در میان عامه، به خصوص نسل جوان، می توان به نتایجی بزرگ در تثبیت و تقویت پایه های دینی و مبانی اعتقادی و اسلامی رسید.

شهادت که نتیجه سلامتی روان، روحیه شجاعت و انتخاب آگاهانه است، مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد؛ چرا که ریشه در قدمت، صبر، استقامت و مبارزه با کفر دارد و این عوامل در مجموع مقاومت جامعه را افزایش داده و اجتماع را متحرک و پویا می سازد. فرهنگ شهادت تضمین کننده امنیت و سلامت جامعه از دستبرد دشمنان و بیگانگان و دارای کارکردهای مختلفی در جامعه است که مهم ترین آن ها عبارتند از: فدا کردن جان برای حفظ ارزش ها، ایجاد روحیه ظلم ستیزی و عدالت طلبی، ترویج فرهنگ ایثار و استقلال، عزّت بخشیدن به جامعه و افراد، توجه به آخرت و بی اعتنائی به دنیا، اصلاح و سازندگی جامعه، حفظ تمامیت ارضی کشور، اطاعت بی چون و چرا از مقام ولایت تا پای جان، خدامحوری در مقابل خودمحوری، سازش ناپذیری در مقابل دشمنان، ترجیح دادن ارزش های انسانی بر منافع شخصی، حرکت در مسیر کمال، دورنگری در مقابل کوتاه نگری، زمینه سازی برای تشکیل مدینه فاضله و ... و شهادت صفتی از حیات معقول است.

اجتماع انسانی را از رکود و جمود و انزوا خارج می سازد و با تصفیه، پویایی و بالندگی و کمال، جامعه را تضمین می کند.

واقعیه عظیم کربلا براساس همین معیارها؛ یعنی دفاع از حقوق و آزادی های جامعه و ارزش های اسلامی و جداسازی حق و باطل صورت گرفت. نیم نگاهی به این رخداد بزرگ که مجموعه ای از باورها، ارزش ها و مفاهیم را در خود دارد، می تواند زمینه ها و بسترهای شهادت را نمایان سازد.

احیای عزّت و شرافت انسان، مقابله با زندگی ذلت بار، مبارزه با ستم طاغوت ها و جور حکومت ها، مقابله با تحریف دین، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سنت های اسلامی، نفی سازش با جور و یا رضایت به ستم، اصلاح طلبی در جامعه، تکلیف گرایی چه به صورت فتح یا کشته شدن، قربانی کردن خود در راه احیای دین، قیام خالصانه برای خدا، هواداری از امام و برائت و بیزاری از حاکم جور، حفظ کرامت امت اسلامی، لبیک گویی به فریاد و استغاثه مظلومان، فدا شدن در راه ارزش ها و ... مفاهیمی هستند که بسترها و زمینه های شهادت طلبی را ایجاد می کنند.

پیامها و آرمانها

هر حرکت و جنبشی که با هدف سازمان نوین و نظام جدید و اصلاحات معنوی و یا هر هدف دیگری بر پا شود، به دنبال خود تأثیر و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم بر افکار عمومی و اوضاع و شرایط اجتماعی می گذارد؛ اما هر قیامی که برای رسیدن به اهداف و

- منابع:**
۱. طالقانی، سید محمود؛ جهاد و شهادت؛ تهران: بی نا، بی تا.
 ۲. مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی، جلد ۲، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۳۸.
 ۳. نوروزی، محمد تقی؛ فرهنگ دفاعی - امنیتی؛ تهران: انتشارات سنا، ۱۳۸۵.
 ۴. رضوانی، علی اکبر؛ فلسفه شهادت؛ انتشارات هجرت، ۱۳۶۲.
 ۵. مظلومی، رجبعلی؛ درس شهید؛ انتشارات واحد فرهنگ بنیاد شهید.

